

تأثیر قواعد اصولی حقوق اساسی به منظور توانمند سازی شهروندان بر کاهش فساد

محمود شفیعی

چکیده:

ما در هر کجای جهان زندگی کنیم، فساد را مؤثر در آن محیط می دانیم و می بینم. فساد، زندگی ما را به صورت های گوناگونی تحت تأثیر قرار می دهد. زمانی که بودجه ای به موضوعی اختصاص داده می شود، زمانی که برنامه ای برای سلامت همگانی طراحی می شود، وقتی که هدف یک ارگان و سازمان مبارزه با فقر و ریشه کردن آن دانسته می شود، جیب عده قلیلی پر از پول می شود. تا وقتی که منابع اختصاص داده شده به حفاظت از محیط زیست یا ارتقا محیط اجتماعی انسان ها توسط برخی اشخاص استفاده می شود؛ هیچ کشوری از فساد مصون نمی باشد. در نتیجه فساد در تمام لایه های زندگی حال حاضر انسانی دوره ی ما وجود چشم گیری داشته و دارد. این در حالی است که در دنیای امروز، شهروندان از منابع بسیار مهم مدیریت شهری به شمار می آیند و بیشتر دولت ها برای حفظ ثبات و تحقق اهداف خود، شهروندان را در رأس امور قرار می دهند. این در حالی است که در کشور های توسعه یافته، همگام با توسعه شهری، همواره بر توانمند سازی شهروندان به منظور جلب مشارکت و حضور آنها در فرآیند تدوین و اجرای سیاست ها تأکید می شود؛ چرا که این شهروندان هستند که از اجرای صحیح و ناصحیح قوانین و نحوه مدیریت شهری بیشترین نفع و ضرر را متحمل می شوند. از طرفی رشد و گسترش فساد در ابعاد گوناگون مالی - اقتصادی، اداری - دولتی، حقوقی - قضایی و ... موجب شده است تا شهروندان نگران تر و حاکمان جوامع دقیق تر به مقابله با فساد بیندیشند. در این میان یکی از راهکارهای مقابله ای برای جلوگیری از رشد روز افزون فساد در جامعه، «توانمند سازی شهروندان» تلقی می گردد؛ موضوعی که در نوشته پیش رو سعی شده است تا ابعاد، الزامات و بستر های لازم برای تحقق آن، ضمن بررسی معنا و مفهوم سه موضوع «شهروندی»، «توانمند سازی» و «فساد» به منظور تحقق در سطح جامعه، بررسی گردد. در نتیجه هدف اصلی از انجام این پژوهش، بررسی توانمند سازی شهروندان با مشارکت در مدیریت محیط پیرامونی آنها ضمن ارائه سازوکارهایی جهت توانمند سازی شهروندان به منظور ترغیب شهروندان به همکاری بیشتر و مشارکت فعال است.

واژگان کلیدی

توانمند سازی، شهروندان، فساد، حقوق شهروندی.

مقدمه:

فساد از جمله عوامل تضعیف کننده پیشرفت در جوامع حال حاضر تلقی می گردد؛ به گونه ای که اگر این معضل رشد کند منجر به افزایش فقر، کاهش کارآمدی اداری و یا حتی منجر به سقوط دولت، انقلاب ها و حتی از هم پاشیدگی کشورها میگردد. از طرفی «فساد» از جمله مفاهیمی است که به طور گسترده و عام معرفی شده و به سختی قابل تعریف می باشد؛ چندان که در کنوانسیون مریدا که در خصوص مقابله با فساد تهیه و تنظیم شده است نیز تعریفی از فساد بیان نشده است. با این وجود اما به لحاظ تاریخی، فساد به معنای «گناه» دانسته شده است، اما در حال حاضر شهروندان فساد را به عنوان مجموعه رفتارهای غیر قانونی از جانب کسی که در قدرت هست؛ تلقی می کنند. در نتیجه شخصی که برخلاف وظیفه ای که موظف به انجام آن است با قصد ارائه مزایا و خدمات به اشخاص دیگر، برای خود و یا اشخاص ثالث اعمال خارج از وظیفه و بیشتر از وظیفه و البته غیر قانونی انجام دهد، «فاسد» شناخته می شود. همچنین میتوان فساد را این گونه توصیف کرد که به استفاده غیر مجاز از قدرت عمومی برای منافع شخصی «فساد» بیان می شود که ممکن است نتیجه آن مالی بوده و یا مزایای غیر مالی از آن دریافت شود.^۱

فساد به عنوان یک مشکل جدی در کشورهای در حال توسعه تلقی می گردد و یک پدیده موجود در ساختار دولتی، غیر دولتی (خصوصی) و حتی صنعتی است که فرایند نادرست تغییر اجتماعی را در اقتصاد، سیاست و فرهنگ یک جامعه به وجود می آورد. علاوه بر انواع کلی که بیان شد، تقسیمات دیگری هم بیان شده است که در خصوص فساد در سطح ادارات دولتی یاد می شود که میتوان قوه مقننه را در امر وضع قانون و یا سوء استفاده از آن جهت کسب اموال نامشروع و ... ؛ قوه مجریه و مخصوصا نیروی انتظامی را در خصوص سوء رفتار پلیس در امر عدم تعقیب یا تعقیب انتخابی متهمین، چشم پوشی از جرائم و ... ؛ و قوه قضائیه را در خصوص سوء رفتار قضات از طریق گرفتن رشوه، احکام نامناسب و ... اشاره کرد.

از طرفی با توجه به تقسیم بندی های جهانی و کشوری که وجود دارد؛ «سازمان بین المللی شفافیت»^۲ با استفاده از شاخص های درک یا احساس فساد،^۳ کشورها را برحسب میزان فساد موجود در میان مقامات دولتی و سیاستمداران شان رتبه بندی می کند. به عبارت دیگر، این معیار، شاخصی است که رتبه فساد در بخش عمومی یک کشور را در میان سایر کشورهای جهان نشان می دهد. این شاخص ها که براساس میزان فساد بخش عمومی اندازه

۱. مباحث مفصل تر در: زادمهر، رامین، نقش فرهنگ سازمانی، تعهد و وفاداری سازمانی در مقابله با فساد اداری و مالی، نشریه علمی، پژوهشی و اطلاع رسانی مدیریت، شماره ۱۹۰، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۶، ص ۵۳، همچنین انصاری، باقر، حق دسترسی به اطلاعات: آزادی اطلاعات، دفتر مطالعات و برنامه ریزی رسانه ها، تهران، ۱۳۹۷، ص ۴۹.

2. Transparency International

3. (CPI) Corruption Perception Index

گیری شده اند دارای مقیاس صفر (بسیار فاسد) تا ۱۰۰ (بسیار تمیز) است. حال این که بر اساس آخرین گزارش سازمان بین المللی شفافیت در ماه می ۲۰۱۸ کشورمان ایران امتیاز ۳۰ را با توجه به معیار های جهانی و مورد نظر داشته است.

لازم به یادآوری است که برای مقابله با فساد و کاهش آن در سطح جامعه راهکار هایی بیان شده است، من جمله این که: توسعه اخلاق حرفه ای، ایجاد یک محیط برابر برای توسعه اجتماعی برای همه مردم، اصلاح نظام پرداخت حقوق و دستمزدها، برقراری نظام شایسته سالاری، شفافیت در هزینه های دولت به وسیله گزارشات دوره ای، اصلاح و تغییر قوانین تأثیرگذار و مرتبط و ... اما معتقدیم هر استراتژی خوبی باید به طور مداوم در جامعه بروز و ظهور داشته باشد، و صرف تقنین یک قانون و یا ایجاد یک رویه ی اداری - قضایی برای نیل به هدف بزرگی چون ریشه کن کردن فساد کافی به نظر نمی رسد؛ مگر اینکه شهروندان که تمام دوره ها و زمان ها نقش به سزایی ایفا میکنند در مقابله با فساد حضور فعال داشته باشند و حضور فعال شهروندان با «توانمند سازی» ایشان محقق می شود.

در ارتباط با توانمند سازی شهروندان باید خاطر نشان کرد که توانایی شهروندان، به مشارکت ایشان در فرصت های مختلفی همچون اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اطلاق می شود که به طور فعال در جامعه ظهور و بروز پیدا میکنند. (احمدی، ۱۳۸۸: ۷۴-۷۵) توانمند سازی شهروندی را از سه نظر کلی مورد بررسی قرار داده اند: اول «توانمند سازی روانشناختی»، در این رویکرد نظری، توانمند سازی افراد بسیار وسیعتر از دو مورد بعد و به عنوان یک حالت انگیزشی درونی در ارتباط با اهداف پیش رو برنامه ریزی می شود که دارای ویژگی های خاصی از جمله معنی دار بودن، شایستگی، مؤثر بودن و خود تعیینی می باشد؛ رویکرد دوم «توانمند سازی ارتباطی» است. این نظریه که به عنوان یک پروسه طی شده از سمت بالا به پایین تعریف شده و قدرت و توانایی افراد در ارتباطات جمعی با یکدیگر را نشان می دهد، در نتیجه این نظریه به تقسیم قدرت رهبر و مدیر در بین زیر دستان تلقی می گردد؛ رویکرد سوم نیز «توانمند سازی انگیزشی» است که در آن نیاز به کسب موفقیت موضوع اصلی تلقی شده و برای رسیدن به هدف توانمند سازی و تقویت خود باوری و اعتماد به نفس، از جمله لوازم آن دانسته می شوند. لازم به ذکر است که این تقسیم بندی تنها بخشی از تقسیمات و تعاریف موجود در خصوص مقوله «توانمند سازی شهروندان» است و تفصیل بیشتر در پژوهش درج میگردد.

در نتیجه پژوهش حاضر سعی بر بررسی تأثیر توانمند سازی شهروندان در کاهش معضل فساد دارد، به طوری که هم شاهد کاهش فساد در ابعاد مختلف بیان شده باشیم و هم از طرفی شهروندان را در مدیریت جامعه دخیل بدانیم و به آنها تکالیفی را محول نماییم.

تعریف مفاهیم

۱. شهروند و حقوق شهروندی:

شهر به عنوان بستر و تجلی گاه حضور جامعه ی انسانی محل بروز ویژگی ها و خصوصیات جامعه شهری تلقی می شود. در این جا ارتباطی دو جانبه میان جامعه (یا انسان ها) و فضا نمود پیدا می کند. (کیشانی فراهانی، ۱۳۹۲: ۵۲-۵۳) از یک سو این اجتماع انسانی است که به فضا شکل می دهد و طی نسل ها فضا را با نوع و خواست خود متناسب می کند؛ از سوی دیگر ویژگی های خاص یک فضا و محیط نیز کیفیات متناسب با آن فضا را برای جامعه ی انسانی تعریف و فراهم می آورد. فلذا اهمیت شهر را می توان به عنوان بستر زندگی و فعالیت شهروندان به خوبی دید، آنجایی که با توجه به شباهت ها و تفاوت های میان افراد و گروه های جنسی، سنی و اجتماعی باید در شهر محیطی امن، سالم، پایدار و جذاب برای همه افراد و طبق نیاز های اقشار مختلف اجتماعی فراهم آید.

با این وجود اما باید اشاره کرد که شهروندی (که یای نسبت در آن وجود دارد) در واقع حاکی از موقعیت و حالت انسانی است که بر اساس آن باید از حقوق و مزایایی برخوردار و تکالیفی را عهده دار شود، هر چند در دولت - شهر نباشد؛ یعنی ساکن کشور نباشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵: ۷۶) درواقع، ویژگی ای که شهروندی را از تابعیت صرف جدا می کند، وجود اخلاق مشارکت و حقوق و مزایای شهروندی است. شهروندی نه صرفاً موقعیتی منفعلانه، بلکه موقعیتی فعالانه و تأثیرگذار است. به همین دلیل است شهروندان را می توان به دریانوردانی قیاس کرد که شریک اجتماعی هم هستند (یعنی یکی پاروزن است، یکی دیده بان و دیگری نگه دار سکان) و همگی هدف مشترکی دارند و آن تأمین سعادت و ایمنی کشتی است؛ بنابراین هر قدر هم که وظایف شهروندی متفاوت از هم باشد باز هم هدف آنان تأمین سعادت و ایمنی اجتماع است.

۲. توانمند سازی

افزایش شهرنشینی^۱ بدون توجه به موضوع مهمی چون توانمند سازی شهروندان، اداره کنندگان شهرهای کشورمان ایران را با مشکلات زیادی روبه رو کرده است، در واقع یکی از دلایل عدم موفقیت در توسعه و مدیریت شهری کشورمان، حذف نمودن نقش چشم گیر و با اهمیت شهروندان از چرخه تصمیم گیری و اجرای خط مشی های شهری است. این در حالی است که جوامع توسعه یافته با اتکا به ظرفیت های موجود در جوامع محلی و توانایی های شخصی شهروندان، در جهت تضمین ماندگاری و پایداری برنامه های مؤثر خویش به عنوان اساسی ترین سرمایه های ممکن اجتماعی استفاده های لازم را می برند؛ چندانکه نتایج این استفاده ها را می توان در میزان

۱. معاون برنامه ریزی توسعه شهری و امور شورای شهرداری تهران در اولین جلسه کمیته آمار بخشی کلانشهرهای کشور گفت: نتایج سرشماری سال ۹۵ مرکز آمار حاکی از رشد ۲ درصدی جمعیت شهرها است. به طوریکه این شاخص آماری از ۷۰ به ۷۲ درصد رشد داشته است و به همین میزان شهرنشینی در کلان شهرها نیز افزایش یافته است.

پیشرفت این جوامع نظاره گر بود. (مرکز آموزش شهروندی، ۲۰۱۷: ۸) در زبان و ادبیات فارسی برای اصطلاح «توانمند سازی» از واژه هایی مانند «قدرتمند سازی، کارآمدسازی، تواناسازی و توان افزایی» نیز استفاده می شود؛ اما واژه ی «توانمند سازی» بیش از سایر اصطلاحات عمومیت یافته است. ضرب المثل مشهوری که یاد دادن ماهیگیری را به جای هدیه دادن ماهی به نیازمندان تأکید می کند، تا حد زیادی معادل مفهوم توانمند سازی است که امروزه مورد اشاره قرار میگیرد. (اسدی محل چالی، ۱۳۹۴: ۲۴)

۳. فساد

در عصر حاضر مبارزه با فساد در تمام جهات آن مورد توجه کشور ها قرار گرفته، به طوری که کشورها را به سمت همکاری بین المللی و مبارزه با فساد در عرصه داخلی هدایت کرده است. (نرگسیان، ۱۳۹۷: ۲۹۰) این رویه از این موضوع نشأت می گیرد که مقوله فساد در هر جامعه ای که باشد آثار و پیامد های ناگواری از جمله کاهش بهره وری، کند کردن حرکت توسعه کشور، افزایش هزینه زندگی مردم و تضعیف اعتقاد مردم به توانایی و اراده سیاسی دولت، اتلاف منابع مالی، به مخاطره انداختن امنیت جامعه، گسترش رفتارهای ناقض حقوق بشری و زیر سوال بردن حاکمیت قانون را در بر دارد. شاید گویاترین تفسیر از آثار و نتایج فساد را جیمز ولفنسون، ریاست بانک جهانی ارائه نموده باشد، وی اعلام کرد که فساد، مهمترین سد در مقابل توسعه طولانی مدت و پایدار است. فلذا اگر چنین بیان شود که مهمترین ویژگی فساد، «خوی تهاجمی» آن و گسترش آن از یک بخش حکومت به بخش های دیگر است، منظور بهتر رسانده می شود.^۱ فساد را نباید «هزینه جانبی» اداره جامعه در دنیای معاصر تلقی کرد و این گونه تصور نمود که تنها باید فساد را تحمل نمود. فساد مشکل و عارضه ای است که هر چند نمی توان آنرا به صورت مطلق از بین برد، ولی به شرط شناخت دقیق و علمی، می توان آن را تا حد قابل قبولی محدود نمود.

یک تعریف «همه پسند» از پدیده فساد موجود نیست. (پارسا، ۱۳۹۶: ۴۴) به همین دلیل است که در هنگام مذاکرات تهیه و تدوین ابتدایی کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد در اوایل سال ۲۰۰۲ میلادی، یکی از موضوعات قابل بحث و چالشی همین تعریف فساد بوده است؛ به گونه ای که در پایان تنها به جای تعریف آن به انواع و مصادیق این مقوله اشاره شده است.^۲ این در حالی است که چند سال پیش از تصویب این کنوانسیون، در کنوانسیون حقوق مدنی در رابطه با فساد که شورای اروپا در سال ۱۹۹۹ به تصویب رسانده بود، فساد اینگونه

۱. از این رو است که به صورت تمثیلی فساد در جامعه به سرطانی در بدن انسان تشبیه شده است.

۲. لازم به ذکر است که در کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با جنایات سازمان یافته فراملی از فساد تعریفی ارائه نشده و دلیل آن هم این بود که ارائه تعریف در متون حقوقی دارای آثار مختلفی است. قاسمی، وحید، بررسی تطبیقی کنوانسیون ۲۰۰۳ سازمان ملل متحد علیه فساد با حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد موسسه آموزش عالی شهید اشرفی اصفهانی، حقوق جزا و جرم شناسی، پاییز ۱۳۸۹، ص ۱۵. به نقل از:

تعریف شده است: «درخواست، پیشنهاد، اعطاء یا پذیرش رشوه یا هر امتیاز غیر قانونی دیگر به طور مستقیم یا غیر مستقیم که موجب مخدوش یا منحرف شدن انجام صحیح وظایف یا مسئولیت های دریافت کننده رشوه شود یا امتیازات یا عواید غیر قانونی برای او داشته باشد»^۱ در هر صورت اما برای آشنایی بیشتر باید بیان کرد که کلمه «فساد» از ریشه «فَسَدَ» بوده که در تعریف آن به نوعی ایجاد سد و مانع برای انجام اعمال درست و سالم اشاره شده است. حال آنکه با این ایجاد سد و مانع ها ممکن است قوانین و مقررات نقض شوند و یا قواعد عام و قابل توجهی مورد توجه قرار نگیرند. در این معنا فساد به هر پدیده ای اطلاق می شود که مجموعه منظم و قانون مند را از اهداف و کارکرد های پیش بینی شده و مشخص خود باز دارد. (تانزی، ۱۳۷۸: ۱۸۲) ریشه فساد - corruption - فعل لاتین - Rumpere - به معنای «شکستن» است. بنابراین فساد یعنی آنچه که می شکند یا نقض می شود و ممکن است رفتار اخلاقی یا شیوه قانونی یا اغلب مقررات اداری باشد. (دادگر، ۱۳۸۳: ۳۵)

از طرفی ماده ۱ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، «فساد» را اینگونه تعریف کرده است: «تعاریف: الف - فساد در این قانون هرگونه فعل یا ترک فعلی است که توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به صورت فردی، جمعی یا سازمانی که عمداً و با هدف کسب هرگونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیرمستقیم برای خود یا دیگری، با نقض قوانین و مقررات کشوری انجام پذیرد یا ضرر و زیانی را به اموال، منافع، منابع یا سلامت و امنیت عمومی و یا جمعی از مردم وارد نماید نظیر رشاء، ارتشاء، اختلاس، تبانی، سوء استفاده از مقام یا موقعیت اداری، سیاسی، امکانات یا اطلاعات، دریافت و پرداختهای غیرقانونی از منابع عمومی و انحراف از این منابع به سمت تخصیص های غیرقانونی، جعل، تخریب یا اختفاء اسناد و سوابق اداری و مالی»

الزامات و بسترهای لازم برای توانمند سازی شهروندان به منظور کاهش فساد

بستر های لازم برای توانمند سازی شهروندان

۱. آموزش حقوق شهروندی

شهروندی و آموزش شهروندان از دیرباز با مفهوم دولت - ملت، حاکمیت و مشروعیت سیاسی، هویت ملی، عضویت و حقوق اجتماعی در ابعاد ملی کشورها همبستگی داشته است. در نتیجه یکی از مهم ترین مبانی شهروندی «حق دانستن» است. حق دانستن به شهروندان این امکان را میدهد تا از وضعیت تابعیت صرف، به سطحی بالاتر یعنی شهروندی منتقل شود. در این جایگاه وی دیگر یک متعهد و فرمانبردار (سلطه پذیر) برای اجرای اوامر و نواهی مدیران و مسئولان کشوری و محلی نیست هرچند این مقامات خیرخواه باشند؛ زیرا وی با «دانستن» میداند و می تواند از چند و چون مسائل اجتماعی و سیاسی آگاه شود و از این حیث توانایی تصمیم گیری و نظارت بر آنچه را برای او یا به نام او صورت می گیرد کسب خواهد کرد. از همین رو بند دوم اصل سوم قانون

1 . Civil Law convention on corruption, council of Europe, Strasburg, 1999.

اساسی برای نیل به اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران دولت را موظف به «بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی و وسایل دیگر» می کند. در این راستا قانونی با نام «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در این قانون دانستن حق مردم و تکلیف دستگاه های دولتی و عمومی غیردولتی است و تصریح شده «هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد.»

در خصوص محتوای آموزشی حقوق شهروندی به شهروندان جامعه ایرانی باید به این نکته اشاره داشت که هر شهروند باید بتواند به طریقی آسان، مناسب و در شأن خودش از حداقل دانش ها، مهارت ها، نگرش ها و ارزش های مهم در دنیای معاصر اطلاع پیدا کند. (محمدی، ۱۳۷۸:۲۸) پس یک شهروند باید مهارت های اجتماعی و مشارکتی به منظور توانایی برقراری مؤثر با دیگر شهروندان را بیاموزد؛ زندگی اجتماعی را درک کند و احترامی ذاتی و البته جدی در مقابل دیگر شهروندان داشته باشد و این موضوع را باید از راه های مسالمت آمیز و غیر خشن پیش ببرد؛ انتخاب ها و رفتارهایشان باید علمی و در صورت لزوم انتقادی باشد و در ابعاد مختلف آزادی با دیگر شهروندان مساوی تلقی گردند. (همان) این موارد تنها بخشی از پیش شرط های محتوای آموزش شهروندی دانسته می شود.

۲. دسترسی آزاد به اطلاعات

مبارزه با فساد مستلزم ابزارهایی است، که دانش حقوقی یکی از همین ابزارها دانسته می شود.^۱ با توجه به عدم وضوح گسترده و اعتماد کم به نهادهای دولتی، تخصص مراکز مشاوره ضد فساد می تواند به شهروندان کمک کند. انتشار اطلاعات و دسترسی شهروندان به اطلاعات بهنگام، صحیح و در قالب مناسب از جمله پیش نیاز های تحقق واقعی حقوق شهروندی است. به همین دلیل است که هنگام بحث درباره حق بر دانستن و آگاهی، آنرا به عنوان ابزاری لازم برای نیل به دموکراسی و حکومت آزاد در نظر گرفته اند. در دولتهای رازمند که مأموران دولت بیشترین اطلاعات و مردم کمترین اطلاعات را در اختیار دارند، مردم دچار ضعف روز افزون می شوند. در این خصوص، حتی کسانی که به مکتب آنارشیسم تعلق دارند نیز از آگاهی و دانش حمایت می کنند. (ر.ک: آقایی طوق، ۱۳۹۶: ۲۳۲)

۱. حق دسترسی به اطلاعات یکی از حقوق کلیدی و توانمند ساز است. حقوق توانمند ساز حقوقی هستند که به فرد امکان کنترل بر جریان زندگی اش را به ویژه کنترل بر دولت را فراهم می سازند. به افراد کمک می کنند تا مسیر زندگی خود را خودشان رقم بزنند و مسئولیت زندگی خود را خودشان به عهده گیرند. این حقوق مشارکت آگاهانه و مسئولانه شهروندان در زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تسهیل می کند. آزادی اطلاعات به دلایل متعدد در زمره ی حقوق توانمند ساز است: اولاً برخورداری افراد جامعه از برخی حقوق شهروندی، ثانیاً استیفای بسیاری از حقوق شهروندی و ثالثاً حمایت و دفاع از برخی حقوق شهروندی منوط و وابسته به آزادی اطلاعات است. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: انصاری، باقر، حق دسترسی به اطلاعات: آزادی اطلاعات، دفتر مطالعات و برنامه ریزی رسانه ها، تهران، ۱۳۹۷، ص ۵۲.

الف: شفافیت

«شفافیت» پروژه ای است که متعاقب آزادی مطبوعات، بیان و اطلاعات رشد می کند. هدف این برنامه، در معرض عموم قرار دادن کلیه امور عمومی مربوط به جامعه است.^۱ در نتیجه شفافیت به منزله ی آن است که به گونه ای عمل کنیم که دیگران بتوانند به آسانی فعالیت ها و اعمالی را که انجام می شود، مشاهده کنند، ارزیابی نمایند و در آخر اشکالات اعمال و رفتار ها را به صورت قاعده مند و اصولی بیان نمایند که این امر مستلزم گشایش و دسترس پذیری، ارتباطات و پاسخگویی است. این در حالی است که نقطه مقابل امر شفافیت، اطلاع رسانی موردی، گزینشی، مقطعی و توأم با دستکاری در موضوعات است، این رفتار را «اداره اسرار گرایانه امور» می توان بیان کرد.

فرهنگ اسرار گرایی، فرهنگ غالب در کشورهای در حال توسعه و کلیه کشورهایی است که در آنها فساد شایع است. نتیجه این روند این است که آگاهی مردم از چند و چون امور جامعه ضرورت ندارد مگر در حدی که مقامات، مسئولان و مدیران صلاح بدانند. (همان: ۳۶) این فرهنگ سیاسی به این سمت حرکت می کند که امور کشوری و کشورداری باید از عوام الناس پنهان بماند و افشا نشود. که عدم افشا و بیان این موضوعات تأثیرات نامطلوبی بر حکومت و جامعه دارد که از آن جمله می توان به رشد و ترویج فساد در جامعه اشاره کرد. در نتیجه نکته ی قابل ذکر در خصوص این برنامه است که شفافیت رابطه ی بسیار تنگاتنگی با فساد و ناکارآمدی دارد. به میزانی که شفافیت در یک سیستم کمتر باشد، آن سیستم درگیر فساد و ناکارآمدی بیشتری خواهد بود. (همان: ۳۷) شفافیت همچنین با مسئله ی مشروعیت یک سیستم ارتباط مستحکمی دارد، هر چه سیستم شفافیت بیشتری داشته باشد، رضایت مردمی و عمومی و اعتماد اجتماعی بیشتری کسب کرده و در نتیجه مشروعیت آن افزایش می یابد.^۲

ب: دادگاه های شیشه ای

۱. شفافیت یک اصطلاح سیاسی است که شکل حقوقی نیز به خود گرفته است و مفهوم شفافیت از لایه های مختلف و پیچیده ای تشکیل شده است که دسترسی عمومی به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی، یکی از این لایه ها و عناصر شفافیت است. همچنین رجوع کنید به: انصاری، باقر، **حق دسترسی به اطلاعات: آزادی اطلاعات**، دفتر مطالعات و برنامه ریزی رسانه ها، تهران، ۱۳۹۷، صص ۳۵-۳۹.

۲. در این خصوص وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به عنوان بخش مهمی از دولت که متکفل امر گسترش اشتغال و رفاه اجتماعی است، در ماه های آخر سال ۱۳۹۷ پیشگام تحقق شعار شفافیت بوده و اقدامات مهم و قابل توجهی برای افزایش شفافیت پی گرفته است که انتشار اسامی اعضای هیأت مدیره شرکت های زیر مجموعه وزارتخانه، انتشار دستورالعمل تعیین سقف حقوق و مزایای مدیران عامل، اعضای هیأت مدیره و هیأت نظارت صندوق ها و سازمان های زیر مجموعه، انتشار لیست حقوق و مزایای مدیران ستادی و اجرایی وزارتخانه و نهایتاً مشخصات قراردادهای سال ۱۳۹۷ ستاد وزارتخانه با پیمانکاران بخش تعاونی و خصوصی در راستای واگذاری امور تصدی گری از جمله این اقدامات مهم و قابل توجه است. ر. ک: مرکز توانمند سازی حاکمیت و جامعه، **خبر نامه شفافیت و مقابله با فساد**، پژوهشکده مطالعات توسعه جهاد دانشگاهی، تهران، اسفند ۱۳۹۷، ص ۵.

شفافیت و علنی سازی موجب افزایش نظارت همگانی مردم می شود، که به این ویژگی «جمع سپاری» اطلاق می شود. بر اساس اصل ۱۶۵ قانون اساسی تمامی محاکمات باید علنی برگزار شود و حضور افراد هم در دادگاه آزاد می باشد؛ مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن جلسات رسیدگی منافی مصلحت نظام، عفت عمومی یا نظم عمومی باشد و یا اینکه در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا نمایند که محاکمه علنی نباشد. با این وجود اما این اصل از قانون اساسی در دادگاه ها به دلایلی مثل کمبود ظرفیت برای مراجعان و یا بدون دلیل اجرا نشده و قضات محاکم از اجرای آن سر باز می زنند. نتیجه این خودداری قضات از برگزاری دادگاه علنی چیزی جز انزوای این اصل اساسی در دادگاه ها نمی باشد.

در حال حاضر در بسیاری از دادگاه های جهان علنی بودن جلسات دادگاه و یا آرای دادگاه ها به یکی از کارآمدترین روش های مبارزه با دستگاه های قضایی در آن کشور ها تبدیل شده است (انصاری، ۱۳۹۰: ۲۸۸) که در نتیجه به ارتقای عملکرد قضایی و مبارزه با بی عدالتی از طریق نظارت مستقیم مردم و درخواست گزارشات مردمی و بازخواست جمعی، کمک زیادی کرده است.

علنی سازی آرای قضات به این شکل است که ایجاد یک سامانه اینترنتی تمام پرونده های قضایی که مورد رسیدگی قرار گرفته اند به صورت آزاد در دسترس افکار عمومی گذاشته می شود تا شرح حال پرونده و شیوه استنتاج قضات در معرض بررسی و قضاوت عمومی شهروندان قرار گیرد. در بسیاری از کشور ها این شیوه ی علنی سازی سالهاست که اجرا می شود. در بسیاری از کشورها این شیوه ی علنی سازی سالهاست اجرا می شود. (همان) مثلاً در کشور فرانسه از سال ۱۸۳۰ تا به امروز - نزدیک به دو قرن - است که کارشناسان و شهروندان مطلع به نقد و بررسی آرای دادگاه مشغول هستند. در کانادا نیز سامانه ای - Canli ii - وجود دارد که همه آرا از تمام شعبات دادگاه های سراسر کشور تنها به فاصله دو روز پس از اصدار آرا در آن ذخیره می شوند و قابل مشاهده و بررسی هستند.^۱

۳. افزایش مشارکت شهروندان

توانمند سازی شهروندان، از جمله راه های کاهش فساد دانسته می شود. چرا که مردم، بهترین ناظر در جهت انجام درست امور هستند. همه افراد جامعه یا سازمان معینی موظفند بر اساس وظایف محول شده خود بر عملکرد دیگر اعضا و عملکرد مدیران و مسئولان نظارت داشته باشند. این نحوه نظارت را می توان یکی از لوازم توانمندسازی شهروندان از طریق تقویت مشارکتی ایشان دانست، تا از این طریق بتوان به مقابله با فساد برویم. این راهکار زمانی موفق و ممکن است که از تمام استعدادها و توانایی های خلاقانه شهروندان بهترین استفاده ها

۱. در آمریکا، انگلستان، استرالیا و حتی برخی کشورهای آفریقایی هم این مدل علنی سازی به کار برده می شود. انصاری، باقر، مطالعه تطبیقی حق دسترسی رسانه ها به دادرسی ها و اطلاعات قضایی، فصلنامه پژوهش حقوق، سال سیزدهم، زمستان ۱۳۹۰، شماره ۳۵، ص ۲۸۸.

را ببریم. چندانکه که در بخش اول این نگارش بیان شد، یکی از مؤلفه های اصلی شهروندی داشتن اطلاعات و آگاهی های کافی است. حال که شهروندان دارای این ویژگی مهم دانسته شده اند باید بهترین استفاده را از ایشان داشته باشیم. حال در این مبحث سعی داریم تا به مواردی اشاره کنیم که حول موضوع افزایش میزان «مشارکت» شهروندان می باشد. مسئله ای که قطعاً با عنایت به آن می توانیم پس از توانمند سازی شهروندان، با حضور هر چه بیشتر شهروندان در عرصه مقابله با فساد مواجه شویم؛ چرا که پس از آموزش شهروندی و آزادی اطلاعات شهروندان، باید موقعیت را به گونه ای برایشان فراهم آوریم تا چنین برنامه ریزی هایی را به منصفه ظهور بگذارند و نتایج را نظاره گر باشیم؛ در نتیجه در ادامه به ابعاد مختلف «مشارکت شهروندی» پرداخته خواهد شد.

الف: اعتماد به شهروندان

پیش از هر موردی باید به این موضوع اشاره داشته باشیم که شخصیت انسان ها همچون منابع دست نخورده ای هستند که تا کشف نشوند؛ خود را نشان نمی دهند. فلذا وقتی شهروندان به این نتیجه برسند که در محیط زندگی شان مدیران به آنها اعتماد دارند و می خواهند از افکار و توانایی هایشان استفاده نمایند، احساس مسئولیت در آنها موجب تحریک می شود. چنانکه گویی آنها منتظر فرصت بوده اند تا خود را با تمام وجود وقف آن سازند؛ و این موضوع یکی از ابعاد مهم توانمند سازی شهروندان است. (احمدی، ۱۳۹۳: ۶۹-۷۲)

موضوعی که الفبای مشارکت شهروندی است و باید بدان توجه داشت همین «اعتماد به شهروندان» است. چرا که تا چنین حسی در شهروندان ایجاد نشود که در محیط زندگی شان به آنها اعتماد وجود دارد، آنها حرکتی در جهت مشارکت نمی کنند، فلذا باید به این موضوع توجه دوچندانی صورت گیرد.

ب: مشارکت در برنامه های پیشنهادی

توجه صرف به افزایش مشارکت شهروندان راه به جایی نمی برد، باید برنامه های پیشرو شهروندان را که مجموعه ای از تلاش های جمعی ایشان در جهت مقابله با زیان های اجتماعی و راهکار های پیشبرد وضع موجود است را داخل در برنامه های از قبل تعیین شده کرده و از عموم شهروندان بخواهیم به نقد به این برنامه ها بپردازند. از این طریق می توانیم هم برنامه ای مورد قبول اکثریت شهروندان تدوین نماییم و هم می توانیم برنامه های بدون ایراد را به اجرا در آوریم. (نوروزی، ۹۲: ۱۳۸۴)

این نوع رفتار که از مشارکت شهروندان در امر برنامه ریزی نشأت می گیرد، با اعتقاد به این است که در این رویه در هزینه های طراحی صرفه جویی بسیاری خواهیم داشت، همچنین به دلیل مشارکت همگانی بهره وری برنامه ها بیشتر می شود و در آخر نیز رشد کمی و کیفی ایده پردازی شهروندان را به دنبال خواهیم داشت.

در خصوص موضوع محوری بحث نیز باید توجه داشته باشیم که برنامه های ارائه شده از طرف سازمان های ذی ربط در خصوص مقابله با فساد، شاید از رتبه های علمی مناسبی برخوردار باشند، اما چون این شهروندان هستند

که اجراکننده برنامه ها دانسته می شوند، برنامه ها باید بیشتر قابلیت اجرایی داشته باشند و نمی شود رویه ای را در نظر بگیریم که در آن شهروندان نتوانند آنها را به اجرا در آورند؛ در حالی که شهروندان قطعاً برنامه های پیشنهادی خود را در حد توان اجرا می کنند و نتایج خوبی را شاهد خواهیم بود.

ج: مشارکت در هدف گذاری

یکی از زیر مجموعه های دیگر مشارکت شهروندی، را می توان مشارکت در هدف گذاری دانست. این موضوع در صورتی است که ما از استعدادها و نیروی خلاق شهروندان بیشترین استفاده را داشته باشیم تا بتوانیم از این منابع مهم در جهت هدف گذاری و تعیین اهداف پیش رو به صورت مدیریت شده بهره برداریم. در خصوص این نوع مشارکت نیز باید بیان نماییم که مشارکت شهروندان موجب تولد حس تعهد و مسئولیت پذیری در شهروندان می شود به گونه ای که وقتی یک هدف، مطلوب اجتماعی از شهروندان دانسته شود در این حالت در جهت دستیابی به اهداف مشخص شده، تلاش بیشتر شهروندان را در پی دارد به گونه ای که دیگر اهداف دشوار نیز چون نوعی علاقه در تعیین آنها بوده است، دشوار دانسته نمی شوند و به آسانی پیش برده خواهند شد. این موضوع در حالی است که علاوه بر پیش برد برنامه ها و رسیدن به اهداف تعیین شده نوعی حس غرور و افتخار نیز در شهروندان رشد خواهد کرد که نقد و نظر آنها مورد توجه شخص و یا ارگان های مدیریتی قرار گرفته است. (ر.ک: همان، ۸۸)

د: مشارکت در چشم انداز آینده

مشخص کردن برنامه های آینده بدون مخفی کردن از شهروندان و درخواست حضور فعال آنها موجب می شود تا ضمن اطلاع از مقاصد پیش رو، وظایف و جایگاه های هر شخص برایش معین شود و برای دستیابی به هدف تعیین شده تمام تلاش خود را به عنوان مهره ی مهم این برنامه انجام دهد. وقتی چشم اندازها حذف ترتیبی انواع فساد در جامعه با توجه به اهمیت آنها باشد، نوعی نظم دهی به رفتارها را به دنبال دارد، در ادامه این رفتارها، پویایی و هدفمندی نیز نقش خود را ایفا می کنند و در آخر نیز شاهد کاهش هرچه بیشتر میزان تنوع فساد در سطح جامعه هستیم. فلذا مشارکت شهروندی در تعیین چشم انداز های آینده به دلیل نقش کلیدی شهروندان بسیار قابل توجه و تأمل است. (ر.ک؛ همان: ۸۹)

نتیجه گیری

توانمند سازی از واژه انگلیسی empower گرفته شده است که در فرهنگ آکسفورد «قدرتمند شدن» و «مجوز دادن» و «قدرت بخشیدن و تواناشدن» معنا شده است. توانمند سازی در اصطلاح عبارت است از: رشد و پرورش استعدادها و ظرفیت های خاص شهروندان و گروه های مختلف شهری به منظور حضور حداکثری و مشارکت هر چه بیشتر آنها، تصمیم گیری و رفتار آگاهانه و مسئولیت پذیرانه در اعمال اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی. آموزش های مذکور شامل اطلاع از حقوق ابتدایی انسانی، رشد مداوم و همه جانبه اخلاقیات و ارزش های جمعی، تحلیل صلح جهانی و رفتار های مسالمت آمیز فردی، برابری و عدالت اجتماعی و احترام بر تفاوت ها و نقاط اختلاف یکدیگر از جمله موضوعات کلی است که در این برنامه ریزی های آموزشی بیان می شود. بنابراین هدف «توانمندی شهروندان» عبارت است از: تلاش فراوان در رابطه با حقوق انسانی و آزادی های اساسی، توسعه کامل شخصیت انسانی و احساس شهروندی از جایگاه و مرتبه خود، رشد ادراک افراد، برابری جنسیتی و دوستی و برادری بین همه ملل، افراد بومی و گروه های نژادی، تقویت فعالیت هایی در جهت برقراری صلح و ... در واقع توانمند سازی شهروندان در یک جامعه باعث می شود که تمام اعضای جامعه از حس شهروندی مثبتی به صورت ملی برخوردار باشند و ضمن برخورداری از احترام ملی، از حقوق مشخص اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بهره مند گردند. توانمند سازی موجب افزایش کیفیت زندگی جمعی و تقویت سرمایه اجتماعی در زندگی می شود. فلذا در سایه توانمند سازی است که شهروندان یاد می گیرند که به گونه ای مؤثر، در بهبود بخشیدن به امور گوناگون جامعه مشارکت داشته باشند.

با توجه به مطالب ارائه شده در این متن و با عنایت به محوریت مباحث وام گرفته شده از سوالات اصلی و فرعی متن پیش رو به این نتیجه می رسیم که مقوله «توانمند سازی» از جمله علل مهم و تأثیرگذار در جهت نهادینه شدن حقوق شهروندی دانسته می شود؛ چرا که نهایت این امر استحکام مردم سالاری و مشارکت هر چه بیشتر و با ثبات تر شهروندان می انجامد. و این موضوع است که ضامن سلامت و ادامه حیات اجتماعی و توسعه یافتگی جمعی در تمام درجات و موضوعات می شود. چنین ترتیبی از همان آغاز طفولیت نوعی اعتماد به نفس و رفتارهای مسئولانه را از نظر اجتماعی و اخلاقی به وجود می آورد؛ که اوج آن و محل مانور آن دوران «جوانی» دانسته می شود. چرا که پویایی و نشاط یک جامعه به مشارکت فعالانه نسل جوان یک جامعه بستگی دارد. ادعای نگارنده این است که کودکان چون توان درک و فهم و البته کنکاش در خصوص توانمند سازی را ندارند و شاید بیان این موضوعات در این سنین و مجددا در سن جوانی موجب دلسردی ایشان و تکراری بودن موضوعات تلقی گردد؛ اگر کودکان را از این دایره خارج کنیم و تمرکز خود را بر نسل جوان قرار دهیم بهتر و تأثیرگذارتر است. همچنین نسل پا به سن گذاشته و سالخورده نیز چون شخصیت رفتاریشان شکل گرفته است و دیگر فرصتی

برای تغییر در رفتارشان وجود ندارد و اگر هم باشد، نوعی پشت کردن به فعالیت های گذشتشان تلقی می گردد؛ فلذا این نسل نیز خارج از موضوع می باشند.

در نتیجه نسل جوان باید به سطحی از آگاهی و اطلاع برسد که مشارکت همه جانبه در امور محوله داشته باشد و نقش شهروندی خود را به خوبی ایفا نماید و در برخورد با مسائل و مشکلات، منطقی بیندیشد و عاقلانه در جهت حل آنها تصمیم گیری نماید.

علاوه بر آموزش و پرورش روحیه ی فعال و پویا، باید به موضوع دیگری نیز توجه داشت که همچون کفه ی دیگر ترازوی توانمند سازی شهروندان تلقی می شود، و آن دسترسی آزاد شهروندان به اطلاعات و ارائه اطلاعات و آگاهی در مورد مسائل عمومی جامعه در ابعاد محلی، ملی و جهانی است. نتایج عجیب و باور نکردنی را می توان فقط با دادن اطلاعات به شهروندان برای انجام وظایفشان و همچنین اعطای آزادی به آنها برای بکار بردن اطلاعات بدست آورد؛ یعنی اطلاعات لازم به آسانی در اختیار شهروندان قرار گیرد تا باعث اعتماد به نفس و آگاهی آنان از وضعیت فعالی سازمان شده، موجب تحکیم فرهنگ اعتماد و همدلی می شود.

تقسیم کردن یا به اشتراک در آوردن اطلاعات، این موضوع را به هر یک از شهروندان می فهماند که حاکمیت به این اشخاص اعتماد کافی داشته و هدف اصلی این موضوع دانسته می شود که اصل استفاده از دانش و استعداد ایشان است. به گونه ای که اگر یک شهروند به تمام اطلاعات دسترسی پیدا کند نوعی احساس مالکیت به وی دست می دهد که به تبع آن می توان بهتر فکر کند، بهتر تصمیم بگیرد و در بهترین حالت اجرا نماید. این استدلال از آنجایی گرفته شده است که وقتی مالک یک «چیز» به عنوان مثال شرکت باشد. به واسطه علقه ی خاصی که پیدا کرده است و بار مسئولیتی که بر دوش خود احساس می کند، با کنار هم گذاشتن اطلاعات می تواند به صورت مالکانه رفتار کند تا جهت پیشرفت آن شرکت قدم بردارد.

موضوع دیگری که باید بدان توجه داشت «اجرای برنامه های مشارکتی» است. مقوله ای که بدون آنها توانمند سازی شهروندان بی اثر دانسته میشود. در این حالت که همه شهروندان در مقابل فراخوان های اعلام شده از طرف دولت متبوعه شروع به مشارکت در مسائل مختلف می کنند. ممکن است بحث در خصوص برنامه ریزی شهری باشد و نحوه مقابله با مشکلاتی چون رشد فساد؛ ممکن است دعوت به منظور طراحی اهدافی مهم در جهت پیشبرد و برون رفت از وضعیت موجود باشد که از آن ها می توان به ریشه کن کردن فساد اشاره کرد و یا مشارکت در چشم انداز های مختلف آتی.

در تمام این موارد باید عنایت داشت که حضور مشارکتی شهروندان در جهت عدم تمرکز قدرت باید باشد. قدرتی که قطعاً فساد آور است باید کنترل شود و به نفع جامعه به اجرا در بیاید. قدرت را باید شهروندان توانمند داشته باشند نه مدیران سوء استفاده گر و افرادی که با فساد های مختلف روی کار آمده اند و در حال فعالیت

هستند. از طرفی برای تشویق هرچه بیشتر شهروندان برای حضور مشارکتی بیشتر باید به موضوع قدردانی، تشویق و پاداش آنها نیز توجه داشت تا با تلاش های دوچندان به ادامه مسیر بپردازند.

رشد فساد نیز نشان دهنده این است که اگر دولت ها بتوانند وظایف اصلی خود را به خوبی و در چارچوب قانونی و با عنایت به برنامه های توانمند سازی شده انجام دهند و به همی منظور دسترسی شهروندان را به بسیاری از موضوعات مختلف تأثیرگذار بر رشد حقوق شهروندان در ابعاد مختلفی چون پرداخت مالیات، نگهداشت اموال عمومی، رعایت بهداشت، چگونگی رویارویی با رخدادهای و ... ممکن سازند، و پس از آن برای تعامل بیشتر با شهروندان آموزش های لازم را بدهند و موضوع را برایشان شفاف نمایند قطعاً شاهد کاهش تدریجی فساد در سطح جامعه از طریق توانمند سازی شهروندان خواهیم بود.

چرا که شهروندان بی بهره از چنین آگاهی ها و نا آشنا به وظایف و حقوق مدنی و اجتماعی خود، نه می توانند حلال مشکلات خود باشند، و نه مشکلی از دوش دولت و هموعان خود بردارند. بدین گونه، بهتر است که در جوامعی که قصد توانمندی دارند، امکانات و ابزارهایی برای آموزش شهروندان و آشنا کردن آنان با حقوق، وظایف و مسئولیت هایشان فراهم آید. فلذا در پایان می توان به چنین نکته ای اشاره کرد که به منظور موفقیت هر چه بیشتر برنامه های پیشرفت شهری و علی الخصوص مقابله با مقوله فساد، به صورت کاهش آن، درگیری شهروندان با این موضوع باید در درجه اول اولویت قرار گیرد؛ درگیری با استفاده از دو عامل آگاهی و دسترسی به اطلاعات. در واقع آموزش های شهروندی در میان شهروندان، میتواند سطح آگاهی شهروندی یا فرهنگ مدنی ایشان را افزایش دهد تا پس از ایجاد ساختار های توسعه ای اطلاعات در به منظور مشارکت و بهره مندی از تمام شهروندان بتوانیم یکی از اهداف دیرینه آدمی را که مقابله با فساد است را به صورت جمعی کم و در آخر ریشه کن نماییم.

در پایان ضمن ارائه پیشنهادات قابل اجرا سعی شده است تا خلاصه ای دستاورد های توانمند سازی شهروندان به منظور کاهش فساد نیز بیان گردد:

۱. آموزش حقوق شهروندی به منظور توانمند سازی شهروندان در جهت اطلاع از حقوق ابتدایی شهروندان و مسئولیت های محوله برای ایشان؛
۲. برنامه ریزی مدون در جهت آموزش های صورت گرفته برای ایجاد فرصت های ممکن به منظور به اجرا در آمدن توانمند سازی شهروندان؛
۳. تبادل اطلاعات مالی، اقتصادی، سیاسی و حقوقی مفید، لازم و کافی برای افزایش سطح معلومات شهروندان، در حیطه مباحث ضد فساد؛

۴. شفافیت زایی در معاملات کلان ملی، دولتی و عمومی خاص و همچنین در سیر رسیدگی های قضایی و رفتار های دیپلماتیک سیاسی در جهت مقابله با فساد؛
۵. ایجاد محیطی امن برای فعالیت های مشخص و معین شهروندان توانمند، برای تدوین برنامه های مقابله جویانه با فساد در اجتماع.

فهرست منابع

۱. آقای طوق، مسلم، ابعاد حقوقی توانمند سازی بیمه شدگان، آوش، تهران، ۱۳۹۶، ص ۲۳۲.
۲. اسدی محل چالی، مسعود، توانمند سازی اجتماع محور در راستای تحقق حکمروایی خوب شهری، آرمانشهر، تهران، ۱۳۹۴، ص ۲۴.
۳. احمدی، اصغر؛ محمود توکلی، بررسی میزان مشارکت اجتماعی شهروندان در اداره بهینه امور شهری، جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره دوم، بهار ۱۳۸۸، صص ۷۴-۷۵.
۴. احمدی، فخری سادات، شهروندی و مشارکت مدنی: بررسی تأثیر آگاهی از حقوق و تعهدات شهروندی در شهر بر فرآیند تحقق حقوق شهروندی (مورد کلان شهر تهران)، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، مرداد ۱۳۹۳، ص ۶۹-۷۲.
۵. انصاری، باقر، مطالعه تطبیقی حق دسترسی رسانه ها به دادرسی ها و اطلاعات قضایی، فصلنامه پژوهش حقوق، سال سیزدهم، زمستان ۱۳۹۰، شماره ۳۵، ص ۲۸۸.
۶. تانزی، ویتو، مسأله فساد، فعالیت های دولتی و بازار آزاد، ترجمه: بهمن آقای، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۱۳۷۸، شماره ۱۴۹-۱۵۰، ص ۱۸۲.
۷. پارسا، یاشار، ریشه فساد در ایران: واکاوی فساد قضایی، و چگونگی گسترش سرطانی آن در کشور، ایران آکادمیا، نیویورک، ۱۳۹۶، ص ۴۴.
۸. زادمهر، رامین، نقش فرهنگ سازمانی، تعهد و وفاداری سازمانی در مقابله با فساد اداری و مالی، نشریه علمی، پژوهشی و اطلاع رسانی مدیریت، شماره ۱۹۰، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۶،
۹. دادگر، حسن، فساد مالی، کانون اندیشه جوان، تهران، ۱۳۸۳، ص ۳۵.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، تهران، ۱۳۸۵، ص ۷۶.
۱۱. کیشانی فراهانی، عزت الله؛ محسن فرمهبینی فراهانی؛ اکبر رهنما، مؤلفه های اساسی تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی، فصلنامه مطالعات ملی، سال چهاردهم، شماره چهارم، ۱۳۹۲، ص ۵۲-۵۳.

۱۲. قاسمی، وحید، بررسی تطبیقی کنوانسیون ۲۰۰۳ سازمان ملل متحد علیه فساد با حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد موسسه آموزش عالی شهید اشرفی اصفهانی، حقوق جزا و جرم شناسی، پاییز ۱۳۸۹.
۱۳. مجید، محمدی، جامعه ی مدنی ایران، انتشارات مرکز، تهران، ۱۳۷۸، ص ۲۸.
۱۴. مرکز توانمند سازی حاکمیت و جامعه، خبر نامه شفافیت و مقابله با فساد، پژوهشکده مطالعات توسعه جهاد دانشگاهی، تهران، اسفند ۱۳۹۷، ص ۵.
۱۵. مرکز آموزش شهروندی، نقش شهروند، ترجمه: رامین پرهام، انتشارات الکترونیکی توانا، نیویورک، ۲۰۱۷، ص ۸.
۱۶. نوروزی، مجتبی، توانمند سازی کارکنان، کنترلر، شماره ۱۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۴.
۱۷. نرگسیان، عباس؛ قاسمعلی جمالی؛ مسعود هراتی؛ حسین آذری، بررسی ارتباط فساد و اعتماد در رابطه بین شفافیت و رضایت شهروندان، فصلنامه مدیریت دولتی، دوره ۱۰، اردیبهشت ۱۳۹۷، شماره دوم، ص ۲۹۰.